

نفت و اصل ۴۴

به موجب ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری، بخش بالادستی صنایع نفت و گاز به دلیل حساسیت و اهمیت آن، همچنان در اختیار دولت باقی خواهد ماند به علاوه، بر اساس اعلام رییس ستاد ویژه اصل ۴۴ شرکت ملی نفت، شرکت‌های خطوط انتقال نفت و گاز نیز در اختیار دولت باقی خواهند ماند. اما در بند "ج" اصل مزبور، واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های دولتی تحت عنوان سهام عدالت و نیز عرضه مستقیم از طریق بورس، پیش‌بینی شده است. شرکت‌های مشخص شده در ذیل این اصل شامل بنگاه‌های دولتی فعال در زمینه‌های معادن بزرگ و صنایع مادر از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت و گاز و غیره هستند.

سرنوشت پتروشیمی و گاز

بخش پتروشیمی با توجه به ماهیت فعالیت‌های این بخش و نیز ساختار اولیه اجرا و توسعه طرح‌های پتروشیمی - که عمدتاً با مشارکت بخش خصوصی شکل گرفته است - بخش پیشرو صنعت نفت در حوزه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی محسوب می‌شود. در حال حاضر، برخی از مجتمع‌های پتروشیمی مانند آبادان، فارابی، ماهشهر، خارک و اراک تماماً در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته‌اند. به گفته مهندس نجابت، مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، در رابطه با واگذاری طرح‌های جدید پتروشیمی به بخش خصوصی نیز اقداماتی صورت گرفته است. در همین راستا، مجتمع‌های پتروشیمی امیرکبیر و فن‌آوران در ماهشهر و مجتمع‌های اوره آمونیاک غدیر، زاگرس (بزرگ‌ترین واحد تولید متانول) و جم (تولیدکننده مواد اتیلن و پلی‌اتیلن) در عسلویه و نیز آریاساسول (واحد مشترک ایران و آفریقای جنوبی) خصوصی شده‌اند. بر اساس اطلاعات موجود، با توجه به اینکه سهم صنایع پتروشیمی در واحدهای در حال احداث و بهره‌برداری بین ۲۰ تا ۴۹ درصد است، واحدهای مزبور به نوعی خصوصی محسوب شده و آمادگی لازم برای واگذاری کلیه سهام آنها به بخش خصوصی وجود دارد. همچنین در بخش صنعت گاز، واگذاری شرکت‌های پالایش گاز و شرکت‌های توزیع‌کننده استانی در قالب اجرای اصل ۴۴ پیش‌بینی شده است. بخش پایین دستی صنعت نفت شامل پالایشگاه‌های نفت نیز در صف واگذاری‌ها قرار دارند.

شرکت‌های ۶۰ میلیارد دلاری

بر اساس اطلاعات کسب شده توسط واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، وضعیت تک‌تک شرکت‌های قابل واگذاری صنعت نفت از ابعاد مختلف مالی (شامل دارایی، سرمایه‌گذاری و بدهی‌های نهایی)، بودجه‌ای و حقوقی در دست بررسی است تا زمینه‌های لازم برای واگذاری آنها فراهم شود.

هدف اولیه حاکی از پایان بررسی‌های مقدماتی تا پایان سال ۸۵ بوده است. اما به دلیل پیچیدگی و زمان‌بر بودن فرآیند مطالعات و بررسی‌ها، تکمیل این امر و توافق نهایی بین وزرای نفت و اقتصاد برای ورود سهام این شرکت‌ها به بورس، به سال ۸۶ واگذار شده است. بر اساس گزارش واحداطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، ارزش اولیه دارایی‌های ۱۲۴ شرکت نفتی رقمی معادل ۶۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

به گفته رییس ستاد اصل ۴۴ شرکت ملی نفت ایران، با توجه به حجم بالای سهام شرکت‌های نفتی قابل ارایه در بورس و این واقعیت که بورس داخلی توان دریافت و جذب همه این سهام را ندارد، بخشی از سهام این شرکت‌ها در بورس‌های بین‌المللی عرضه خواهد شد. به گفته وی، بر اساس قانون تا ۴۰ درصد بازار عرضه هر محصول می‌تواند در اختیار بخش

جابه‌جایی بازیگران بازار جهانی نفت

هفت برادران به جای هفت خواهران

فراهم شود. هدف اولیه حاکی از پایان بررسی‌های مقدماتی تا پایان سال ۸۵ بوده است. اما به دلیل پیچیدگی و زمان‌بر بودن فرآیند مطالعات و بررسی‌ها، تکمیل این امر و توافق نهایی بین وزرای نفت و اقتصاد برای ورود سهام این شرکت‌ها به بورس، به سال ۸۶ واگذار شده است. بر اساس گزارش واحداطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، ارزش اولیه دارایی‌های ۱۲۴ شرکت نفتی رقمی معادل ۶۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

به گفته رییس ستاد اصل ۴۴ شرکت ملی نفت ایران، با توجه به حجم بالای سهام شرکت‌های نفتی قابل ارایه در بورس و این واقعیت که بورس داخلی توان دریافت و جذب همه این سهام را ندارد، بخشی از سهام این شرکت‌ها در بورس‌های بین‌المللی عرضه خواهد شد. به گفته وی، بر اساس قانون تا ۴۰ درصد بازار عرضه هر محصول می‌تواند در اختیار بخش

اکنون این شرکت‌های ملی - دولتی نفت هستند که بازار جهانی نفت را اداره می‌کنند، نه شرکت‌های نفتی بین‌المللی.

در حال حاضر شرکت‌های ملی نفت با مالکیت اکثریت دولتی در صدد افزایش سهم و نقش خود در زمینه ذخایر و عرضه منابع نفت و گاز در بازارهای جهانی هستند. این خبر بدی برای مصرف‌کنندگان بزرگ جهان صنعتی محسوب می‌شود، زیرا این روند موجب شده تا غول‌های نفتی بین‌المللی نظیر رویال داچ شل، شوران تگراکو و سایر شرکت‌های چندملیتی نفتی به تدریج شاهد از دست رفتن جایگاه خود در بازارهای جهانی نفت و تبدیل شدن به بازیگرانی درجه دو در این بازارها باشند. این شواهد در

مطالعه‌ای که اخیراً توسط بخش انرژی دانشگاه رایس انجام شده، مورد تأیید قرار گرفته است. در حال حاضر بیش از ۷۵ درصد ذخایر نفت دنیا در اختیار شرکت‌های ملی - دولتی نفت قرار دارد. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، حدود ۹۰ درصد عرضه انرژی‌های هیدروکربوری در طی دو دهه اخیر نیز در اختیار کشورهای در حال توسعه‌ای بوده که شرکت‌های نفتی اکثر آنها دولتی هستند. این در حالی است که در دهه ۱۹۷۰ حدود ۴۰ درصد کل تولید نفت جهان در اختیار کشورهای صنعتی قرار داشت. این روند در عین حال، به ضرر شرکت‌های



بین‌المللی افزایش سود خود را عمدتاً از طریق افزایش میزان تولید پیگیری می‌کنند، شرکت‌های ملی - دولتی نفت می‌توانند همین هدف را از طریق افزایش قیمت نیز کسب کنند.

وجود چنین شرایطی موجب شده تا چرخه جدیدی در بازار نفت ایجاد شود که تداوم آن، ضرر شرکت‌های بین‌المللی نفت را افزایش می‌دهد. در زمانی که قیمت‌های نفت در سطح پایینی قرار داشتند، قدرت چانه‌زنی شرکت‌های نفتی بین‌المللی در مذاکره با دولت‌های دارنده ذخایر بیشتر بود و این شرکت‌ها در واقع موضع برتر را به خود اختصاص داده بودند. اما اکنون و با افزایش قیمت‌های نفت در بازار، موضع دولت‌های دارنده ذخایر تقویت شده و شرکت‌های بین‌المللی در موضع ضعف قرار گرفته‌اند. افزایش قدرت شرکت‌های ملی - دولتی نفت تنها منحصر و محدود به حوزه ذخایر و عرضه نبوده و رقابت تنگاتنگی نیز در بخش تقاضا بین شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفت و شرکت‌های ملی شکل گرفته است. این امر به خصوص از سوی شرکت‌های نفتی چین و هند مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. شرکت‌های ملی نفت این دو کشور که هر یک دارای یکی از بالاترین ارقام رشد تقاضای انرژی در دنیا هستند، در اقصی نقاط جهان در پی یافتن منابع جدید عرضه نفت می‌باشند. در مقابل، مسأله تأمین امنیت عرضه برای متقاضیان نفت، اکنون به یکی از مهم‌ترین عناصر مورد توجه در ترسیم استراتژی‌های بخش انرژی تبدیل شده است. جی رایبسون وست، مدیر مؤسسه انرژی پی‌اف‌سی، در این خصوص می‌گوید: دیگر این شرکت‌های نفتی بین‌المللی نیستند که این صنعت را اداره می‌کنند. های ملی نفت، حاکمان این صنعت به حساب آمده و آنها هستند که شاخص‌های مهم صنعت نفت را تعیین می‌کنند. ■

جنوبی هم به تبعیت از ونزوئلا، به اعمال محدودیت‌های شدیدتر بر فعالیت‌های شرکت‌های نفتی غربی پرداخته‌اند و نوعی ملی‌سازی را در صنایع نفت و گاز خود آغاز کرده‌اند. جان داچ، مدیر سابق یک مؤسسه تحقیقاتی در حوزه صنعت نفت، در این زمینه می‌گوید: یک انتقال عمده در بخش ذخایر و تولید در بازارهای جهانی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی به شرکت‌های ملی نفت در جریان است. به اعتقاد وی، شرکت‌های ملی نفت غیر از اهداف تجاری، اهداف ملی دیگری را هم دنبال می‌کنند. کارشناسان می‌گویند این روندی است که متناسب با نوسانات قیمت نفت در جریان است: هرچه قیمت‌های نفت بیشتر افزایش می‌یابد، شرکت‌های نفتی غربی سهم بیشتری از ذخایر و کنترل خود بر تولید نفت و گاز در کشورهای مختلف را به نفع شرکت‌های ملی - دولتی از دست می‌دهند.

پارامترهای جدید

تفاوت دیدگاه‌ها در شرکت‌های ملی نفت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی، کاملاً مشهود است. یک شرکت نفتی بین‌المللی، اولویت را بر حداکثر تولید از ذخایر قرار داده و می‌داند با پایان یافتن نفت قابل تولید از یک میدان نفتی در یک کشور می‌تواند به سراغ میدانی دیگر در کشوری دیگر برود. اما شرکت‌های ملی نفت می‌دانند تمامی ثروت آنها در محدوده جغرافیایی کشورشان اندک شده و امکان فعالیت در میادین سایر کشورها محدود است. لذا آنها پارامترهای بیشتری را در تعیین میزان تولید خود وارد کرده و حساسیت بیشتری در این زمینه نشان می‌دهند. با این حال، برخی از شرکت‌های ملی نفت (مانند پرتامینای اندونزی و پتروبراس برزیل) موفق شده‌اند ذخایری را در سایر کشورها به دست آورند. در حالی که در این شرایط جدید شرکت‌های نفتی

نفتی بین‌المللی، در حال تغییر است. آمارها نشان می‌دهند به ازای هر چهار بشکه نفت تولید شده طی سال‌های اخیر، تنها یک بشکه در بخش ذخایر جایگزین شده است که این به معنی وخامت بیشتر شرایط شرکت‌های نفتی بین‌المللی است. به عنوان مثال، در دهه ۱۹۳۰، در عربستان - بزرگترین تولیدکننده نفت جهان - امتیاز تولید نفت توسط عبدالعزیز (پادشاه وقت) به شرکت استاندارد اوپل کالیفرنیا (شوران فعلی) واگذار شد که بعدها شرکت‌های تگزاکو، اکسان و موبیل تحت نام آرامکو در این کشور به فعالیت پرداختند. در آن دوره، تصمیمات مهم در خصوص سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بخش نفت، میزان تولید و ظرفیت‌های آن توسط همین شرکت‌ها اتخاذ می‌شد، نه توسط خاندان سعودی. چنین وضعیتی کم و بیش در بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت برقرار بود. با توجه به اینکه تقریباً تمامی شرکت‌های بزرگ نفتی، آمریکایی یا اروپایی بودند، این امر به طور مؤثری کنترل ذخایر نفت کشورهای دارنده ذخایر را در اختیار کشورهای غربی که اصلی‌ترین واردکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت بودند، قرار داده بود. اما از اواسط دهه ۱۹۷۰ بدین سو، این شرایط تغییرات محسوسی را شاهد بوده است.

این واقعیت با در نظر گرفتن این نکته که شرکت‌های ملی نفت بیش از آنکه به روابط تجاری خود با غول‌های نفتی و مصرف‌کنندگان و آل استریت متعهد باشند، به تعهدات اقتصادی - اجتماعی داخلی خود اهمیت می‌دهند، موجب بروز نگرانی‌هایی جدی در جهان غرب در خصوص آینده شرایط حاکم بر بازار نفت شده است. ضمن اینکه به اعتقاد برخی از کارشناسان، افزایش نقش و قدرت شرکت‌های ملی نفت، سهم بسزایی در رشد قیمت‌های نفت در سال‌های اخیر داشته است. امی مایرز جف، یکی از محققان دانشگاه رایس که در انجام مطالعه یادشده حضور داشته است، از جمله این کارشناسان است. وی می‌گوید: «چنانچه شرکت‌های بزرگ ملی در تصمیم‌گیری‌های خود اتکای بیشتری به ابزارها و سازوکارهای تجاری نداشته باشند، روند قیمت‌ها همچنان فراینده باقی خواهد ماند.»

نمونه‌های فراوانی در زمینه این دگرگونی، قابل ارایه و بررسی است. در روسیه، رییس‌جمهور ولادیمیر پوتین در دسامبر گذشته با اعمال فشار، سهم شرکت‌های نفتی بین‌المللی از جمله رویال داچ شل را در بزرگ‌ترین قرارداد صنعت نفت جهان در منطقه ساخلین، محدود کرد و سهم غالب در این پروژه را به شرکت دولتی گاز این کشور (گازپروم) منتقل نمود. نظیر این رویکرد در ونزوئلا نیز رخ داده است و شرکت‌های نفتی آمریکایی و سایر شرکت‌های غربی فعال در این منطقه با محدودیت‌های زیادی در فعالیت‌های خود مواجه شده‌اند، به طوری که آنها اکنون امید به کسب قراردادهای جدید را به کلی از دست داده‌اند. برخی دیگر از تولیدکنندگان بین‌المللی نفت در منطقه آمریکای لاتین و آمریکای

خط لوله گاز عربی - ترکی

خط لوله جدید گاز عربی، گاز مصر را ابتدا به اردن و سپس به سوریه و ترکیه و در نهایت، به اروپا منتقل خواهد کرد.

وزیران نفت و انرژی مصر، سوریه و ترکیه در نشست اخیر قاهره بر افزایش سرعت اجرای خط لوله گاز عربی تأکید کردند. این خط لوله که از مصر به اردن و سپس به سوریه می‌رسد، مقدمه‌ای برای انتقال گاز عربی به لبنان و ترکیه به شمار می‌آید. سامح فهمی، وزیر نفت مصر، در این زمینه می‌گوید: کار ساخت ۳۰ کیلومتر از این خط لوله بین مرز اردن و سوریه، اواخر سال جاری میلادی به اتمام خواهد رسید. از سوی دیگر، حلمی گولر، وزیر انرژی ترکیه، تمایل کشورش برای سرعت بخشیدن به احداث امتداد خط لوله گاز عربی به ترکیه به منظور تأمین گاز مورد نیاز کشورش را ابراز داشت و گفت: ترکیه مایل است در چارچوب ایجاد تنوع در منابع واردات گاز خود، در خط لوله گاز عربی مشارکت داشته باشد و به محور انتقال گاز مصر به اروپا تبدیل شود. لازم به ذکر است، در نشست قاهره که با حضور وزیران نفت و انرژی مصر، سوریه، اردن و ترکیه برگزار شد، در مورد پیشرفت مرحله دوم احداث خط لوله گاز عربی در منطقه الرحاب واقع در مرز سوریه و اردن با طول ۳۰ کیلومتر، مذاکره و توافق شد. شرکت فاجر که یک شرکت مشترک اردنی - مصری است، اجرای این مرحله از خط لوله گاز عربی را بر عهده دارد و قرار است قبل از پایان سال جاری میلادی، کار آن به اتمام برسد. مرحله بعدی این خط لوله شامل امتداد آن به شهر حمص در مرکز سوریه تا مرزهای ترکیه و از آنجا به شبکه داخلی گاز ترکیه با طول ۱۰۰ کیلومتر، از طریق تشکیل یک شرکت مشترک مصری - سوریه - ترکی انجام خواهد شد.